

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشگاه قم**

**دانشکده الهیات و معارف اسلامی**

**پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی**

**عنوان:**

**نقش عقل در شناخت خدا از دیدگاه ابن سینا و  
توماس اکوئیناس**

**استاد راهنما:**

**دکتر اقدس یزدی**

**استاد مشاور:**

**دکتر نفیسه ساطع**

**نگارنده:**

**معصومه خاکزاد**

**پاییز ۱۳۸۹**

« تقدیم »

تقدیم به ساحت مقدس

حضرت بقیه الله الاعظم (عج)،

محمد بن الحسن المسگری (عج)

یوسف گمگشته زهرا (س)

که همه تشنگان عدالت

در انتظار ظهور خورشید ولایتش نشسته اند.

## « تشکر و قدردانی »

در آغاز لازم می‌دانم از زحمات پدر و مادر گرامی‌ام، همسر و فرزندان عزیزم و کلیه کسانی که در دوران تحصیل مشوق و پشتیبان بنده بوده‌اند؛ کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

همچنین از زحمات اساتید محترم، به خصوص استاد راهنمای ارجمند سرکار خانم دکتر اقدس یزدی و استاد مشاور گرانقدر سرکار خانم دکتر نفیسه ساطع که با راهنمایی‌های خود راه‌گشای این جانب بوده‌اند کمال تشکر و سپاس‌گزاری را دارم.

## چکیده:

عالی‌ترین سطح شناخت انسان، شناخت عقلانی است که این امر، در خصوص معرفت عالی‌ترین موجودات یعنی مبدأ هستی، جایگاه مهم‌تری دارد. رساله حاضر در باب نقش عقل در اثبات وجود خدا از دیدگاه ابن‌سینا و توماس آکویناس در پنج فصل تدوین شده که در آن به بیان اهمیت شناخت عقلی خداوند پرداخته‌ایم، سپس آراء و افکار و براهین این دو بزرگوار به صورت مجزا و مفصل بیان شد. در ادامه به تأثیرپذیری توماس و ابن‌سینا از ارسطو که پیش‌زمینه فکری آن‌ها بوده، و تأثیرپذیری توماس از ابن‌سینا پرداخته‌ایم و در نهایت هم به مهم‌ترین مقایسه جنبه‌های اشتراک و اختلاف آراء این دو متفکر پرداخته شده است، که مهم‌ترین اشتراک آن‌ها در باب امکان‌پذیر بودن اثبات عقلی خداوند و مهم‌ترین اختلاف آن‌ها در زمینه عقل فعال و براهین بوده است.

کلید واژه‌ها: عقل، برهان عقلانی، اثبات وجود خدا، ابن‌سینا، توماس آکویناس

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اوّل کلیات (تعاریف و اصطلاحات).....	۱
ضرورت انجام تحقیق.....	۲
پیشینه تحقیق.....	۲
تعریف مساله و سؤال های تحقیق.....	۲
فرضیه ها.....	۲
هدف ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق.....	۳
روش تحقیق.....	۳
مقدمه.....	۴
تعاریف و اصطلاحات.....	۶
۱. شناخت.....	۷
۱-۱. امکان شناخت.....	۷
۱-۲. تعریف شناخت.....	۹
۱-۳. منابع شناخت.....	۹
۱-۴. راه های شناخت.....	۱۲
۱-۴-۱. حس.....	۱۲
۱-۴-۲. عقل.....	۱۳
۱-۴-۲-۱. اصالت عقلی ها.....	۱۵
۱-۴-۲-۲. مخالفان حجیت عقل.....	۱۷
۱-۴-۲-۲-۱. حسیون یا تجربه گرایان.....	۱۸
۱-۴-۲-۲-۲. نص گرایان یا ظاهر گرایان.....	۲۰
۱-۴-۳. قلب.....	۲۱
۱-۴-۴. وحی.....	۲۳
۲. عقل و اهمیت آن.....	۲۵
۲-۱. معنای لغوی عقل.....	۲۵
۲-۲. معنای اصطلاحی عقل.....	۲۷
۲-۳. ویژگی های شناخت عقلی.....	۳۲

۳۳	.....مراتب عقل.....۲-۴
۳۳	.....عقل هیولانی.....۲-۴-۱
۳۳	.....عقل بالملکه.....۲-۴-۲
۳۴	.....عقل بالفعل.....۲-۴-۳
۳۴	.....عقل مستفاد.....۲-۴-۴
۳۴	.....عقل قدسی.....۲-۴-۵
۳۶	.....انواع عقل.....۲-۵
۳۷	.....آفات عقل.....۲-۶
۳۹	.....عقل از دیدگاه قرآن.....۲-۷
۴۴	.....عقل در روایات و احادیث.....۲-۸
۴۶	.....رابطه عقل و دین.....۲-۹
۴۷	.....مسأله عقل و دین در غرب.....۲-۹-۱
۵۰	.....مسأله عقل و دین در اسلام.....۲-۹-۲
۵۶	.....نتیجه گیری بحث عقل و دین.....۲-۹-۳
۵۸	.....خلاصه ای از زندگی ابن سینا و توماس آکوئیناس.....۳
۵۸	.....ابن سینا.....۳-۱
۵۹	.....زندگی نامه ابن سینا.....۳-۱-۱
۶۰	.....افکار ابن سینا.....۳-۱-۲
۶۳	.....شاگردان ابن سینا.....۳-۱-۳
۶۴	.....آثار ابن سینا.....۳-۱-۴
۶۵	.....توماس آکوئیناس.....۳-۲
۶۵	.....زندگی نامه توماس.....۳-۲-۱
۶۶	.....مقام و افکار توماس.....۳-۲-۲
۶۸	.....آثار توماس.....۳-۲-۳
۷۰	.....نتیجه فصل اول.....
۷۱	.....فصل دوم.....
۷۲	.....۲-۱.شناخت خدا.....

۷۲.....	۲-۱-۱. اهمیت شناخت خدا.....
۷۳.....	۲-۱-۲. فطری بودن شناخت خدا.....
۷۴.....	۲-۱-۳. راه های شناخت خدا.....
۷۵.....	۲-۱-۳-۱. استدلالی یا نظری.....
۷۵.....	۲-۱-۳-۱-۱. رابطه «حس و عقل» در شناخت خدا.....
۷۶.....	۲-۱-۳-۲. کشفی یا عملی.....
۷۹.....	۲-۱-۳-۳. مقایسه این دو روش.....
۷۹.....	۲-۲. نقش عقل در شناخت خدا.....
۸۳.....	۲-۳. امکان اثبات خدا.....
۸۴.....	۲-۳-۱. روی کردهای مختلف درباره امکان اثبات عقلی وجود خدا.....
۸۴.....	۲-۳-۱-۱. اثبات شده.....
۸۴.....	۲-۳-۱-۲. اثبات پذیر.....
۸۴.....	۲-۳-۱-۳. اثبات ناپذیر.....
۸۵.....	۲-۳-۱-۴. اثبات عدم.....
۸۵.....	۲-۳-۲. مخالفان براهین فلسفی خداشناسی.....
۸۵.....	۲-۳-۲-۱. ظاهر گرایان.....
۸۶.....	۲-۳-۲-۲. حسیون و طبیعیون (تجربه گرایان).....
۸۷.....	۲-۳-۲-۳. مکتب شهود و عرفان.....
۸۸.....	۲-۳-۳. ادله مخالفان اثبات عقلی خدا.....
۱۰۰.....	نتیجه فصل دوم.....
۱۰۱.....	فصل سوم.....
۱۰۱.....	نقش عقل در شناخت خدا از دیدگاه ابن سینا.....
۱۰۲.....	۳-۱. جایگاه بحث از خدا.....
۱۰۲.....	۳-۲. شناخت در نظر ابن سینا.....
۱۰۲.....	۳-۲-۱. ادراک حسی.....
۱۰۳.....	۳-۲-۲. ادراک خیالی.....
۱۰۳.....	۳-۲-۳. ادراک وهمی.....



۱۰۳.....	۳-۲-۴. ادراک عقلی.....
۱۰۴.....	۳-۳. عقل در نظر ابن سینا.....
۱۰۶.....	۳-۴. عقل فعال.....
۱۱۱.....	۳-۵. انواع برهان.....
۱۱۱.....	۳-۵-۱. برهان لمّی.....
۱۱۲.....	۳-۵-۲. برهان ائی.....
۱۱۵.....	۳-۶. وجود خدا با برهان لمّی ممکن نیست.....
۱۱۶.....	۳-۷. ویژگی های خدای ابن سینا.....
۱۱۷.....	۳-۸. اثبات وجود خدا.....
۱۲۱.....	۳-۹. براهین اثبات وجود خدا.....
۱۲۱.....	۳-۹-۱. برهان وسط و طرف.....
۱۲۱.....	۳-۹-۱-۱. تاریخچه برهان.....
۱۲۳.....	۳-۹-۱-۲. مبانی برهان.....
۱۲۴.....	۳-۹-۱-۳. تقریر برهان.....
۱۲۵.....	۳-۹-۱-۴. نقد برهان.....
۱۲۸.....	۳-۹-۲. برهان وجوب و امکان (صدیقین).....
۱۲۸.....	۳-۹-۲-۱. سابقه برهان.....
۱۲۹.....	۳-۹-۲-۲. تقریر برهان.....
۱۳۰.....	۳-۹-۲-۲-۱. استدلال اجمالی.....
۱۳۰.....	۳-۹-۲-۲-۲. استدلال تفصیلی.....
۱۳۳.....	۳-۹-۲-۳. نقد برهان.....
۱۳۶.....	۳-۹-۲-۴. ویژگی برهان در آثار ابن سینا.....
۱۳۷.....	۳-۹-۲-۵. برهان وجوب و امکان ائی است یا لمّی؟.....
۱۴۰.....	نتیجه فصل سوم.....
۱۴۱.....	فصل چهارم.....
۱۴۱.....	۴. نقش عقل در شناخت خدا از دیدگاه توماس آکوئیناس.....
۱۴۲.....	۴-۱. جایگاه بحث از خدا.....

- ۴-۲. تصور از خدا در غرب..... ۱۴۳
- ۴-۳. اهمیت عقل در شناخت خدا ..... ۱۴۶
- ۴-۴. محدوده کار کرد عقل در شناخت خدا..... ۱۴۹
- ۴-۵. عدم بداهت وجود خدا..... ۱۵۱
- ۴-۶. نیازمندی عقل به وحی..... ۱۵۲
- ۴-۷. امتناع معرفت کنه باری تعالی ..... ۱۵۵
- ۴-۸. نظریه شناخت ..... ۱۵۷
- ۴-۹. عقل فعال..... ۱۵۹
- ۴-۱۰. نظریه تنزیه..... ۱۶۰
- ۴-۱۱. نظریه تمثیل..... ۱۶۲
- ۴-۱۲. جمع بین دو نظریه تمثیل و تنزیه..... ۱۶۶
- ۴-۱۳. اثبات پذیری وجود خدا..... ۱۶۷
- ۴-۱۴. راه‌های شناخت خدا..... ۱۶۹
- ۴-۱۵. براهین اثبات وجود خدا..... ۱۷۱
- ۴-۱۵-۱. برهان حرکت..... ۱۷۱
- ۴-۱۵-۱-۱. پیشینه تاریخی..... ۱۷۱
- ۴-۱۵-۱-۲. تبیین و تحلیل متن برهان..... ۱۷۱
- ۴-۱۵-۱-۳. نقد و بررسی..... ۱۷۲
- ۴-۱۵-۲. برهان علیت فاعلی..... ۱۷۴
- ۴-۱۵-۲-۱. پیشینه تاریخی..... ۱۷۴
- ۴-۱۵-۲-۲. تبیین و تحلیل متن برهان..... ۱۷۴
- ۴-۱۵-۲-۳. نقد و بررسی..... ۱۷۴
- ۴-۱۵-۳. برهان وجوب و امکان (جهان شناختی)..... ۱۷۶
- ۴-۱۵-۳-۱. پیشینه تاریخی..... ۱۷۶
- ۴-۱۵-۳-۲. تبیین و تحلیل متن برهان..... ۱۷۶
- ۴-۱۵-۳-۳. نقد و بررسی..... ۱۷۷
- ۴-۱۵-۴. برهان درجات کمال..... ۱۷۸
- ۴-۱۵-۴-۱. پیشینه تاریخی..... ۱۷۸

۱۷۸.....	۴-۱۵-۴-۲. تبیین و تحلیل متن برهان.....
۱۷۹.....	۴-۱۵-۴-۳. نقد و بررسی.....
۱۸۰.....	۴-۱۵-۵. برهان علیت غایی (غایت شناختی).....
۱۸۰.....	۴-۱۵-۵-۱. پیشینه تاریخی.....
۱۸۰.....	۴-۱۵-۵-۲. تبیین و تحلیل متن برهان.....
۱۸۱.....	۴-۱۵-۵-۳. نقد و بررسی.....
۱۸۳.....	۴-۱۵-۶. ویژگی‌های براهین پنج‌گانه.....
۱۸۵.....	نتیجه فصل چهارم.....
۱۸۶.....	فصل پنجم.....
۱۸۷.....	۵. تأثیر پذیری توماس و ابن سینا از ارسطو.....
۱۸۷.....	۵-۱. ارسطو.....
۱۸۸.....	۵-۱-۱. خداشناسی ارسطو.....
۱۸۸.....	۵-۱-۲. عقل در نظر ارسطو.....
۱۸۹.....	۵-۲. تأثیر پذیری ابن سینا از ارسطو.....
۱۹۰.....	۵-۲-۱. وجوه اختلاف و اشتراک ابن سینا و ارسطو در باب واجب.....
۱۹۰.....	۵-۲-۱-۱. برهان محرک اولی.....
۱۹۲.....	۵-۲-۱-۲. علت غایی.....
۱۹۳.....	۵-۲-۱-۳. اوصاف واجب الوجود.....
۱۹۴.....	۵-۲-۱-۴. علم خدا.....
۱۹۴.....	۵-۳. تأثیر پذیری توماس آکویناس از ارسطو.....
۱۹۶.....	۵-۳-۱. مقایسه دیدگاه توماس و ارسطو در مورد برهان محرک اول.....
۱۹۷.....	۵-۴. تأثیر ابن سینا بر افکار توماس.....
۲۰۱.....	نتیجه فصل پنجم.....

- ۲۰۲..... جمع بندی و نتیجه گیری
- ۲۰۲..... مقایسه دیدگاه توماس و ابن سینا
- ۲۰۲..... وجوه اشتراک
- ۲۰۳..... وجوه اختلاف

# فصل اوّل

## کلیات (تعاریف و اصطلاحات)

## کلیات

**ضرورت انجام تحقیق:** با توجه به اهمیت جایگاه عقل و ادراکات عقلی از نظر اکثریت متفکران ایدئولوژیست، سوال این است که آیا انسان می تواند با ابزار عقل با توجه به مباحث مطرح شده درباره عقل و توانایی ها و کارکردهای آن در دوره معاصر به وجود خدا پی ببرد و پس از آن با تمسک به خداوند و دین از مشکلات دوران معاصر رهایی یابد؟

**پیشینه تحقیق:** در زمینه میزان توانایی عقل در اثبات وجود خداوند مقالات و تعدادی کتاب یافت شده لیکن از دیدگاه این دو صاحب نظر چیزی دیده نشده است.

## تعریف مسأله و سوال های اصلی تحقیق:

تبیین توانایی عقل و بررسی محدودیت های آن در زمینه اثبات وجود خداوند از دیدگاه ابن سینا و توماس آکوئیناس و تعیین وجوه اشتراک و اختلاف آرای آن دو بزرگوار.

۱. بر اساس آرای معرفتی ابن سینا و توماس آکوئیناس آیا علم به خداوند، اثباتاً و سلباً در حوزه ادراکات عقلی قرار دارد یا نه؟
۲. اگر ادراک وجود خداوند در قلمرو معارف عقلی است به چه میزان و چگونه این معرفت برای عقل حاصل می گردد؟
۳. از دیدگاه این دو صاحب نظر آیا عقل تنها راه رسیدن به وجود خداوند است یا خیر؟
۴. دلایل و براهین ابن سینا و توماس آکوئیناس در اثبات وجود خداوند تا چه میزان بر مبنای عقلی تکیه داشته است و در اثبات مطلوب خود موفق بوده است؟

## فرضیه ها

۱. از دیدگاه هر دو فیلسوف شناخت عقلی خداوند امکان پذیر می باشد.
۲. از طریق عقل شناخت کامل خداوند و شناخت کنه ذات خداوند امکان پذیر نمی باشد.
۳. از دیدگاه این دو فیلسوف عقل تنها راه رسیدن به خداوند نیست.
۴. براهین هر دو فیلسوف، براهین انّی می باشد و اقامه دلیل به طریق لمّی بر وجود خداوند غیرممکن است.

## هدف ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق:

۱. تعیین حدود توانایی عقل در مسأله اثبات وجود خداوند از دیدگاه ابن سینا و توماس

آکوئیناس

۲. مشخص ساختن راه های عقلی برای اثبات وجود خداوند از دیدگاه ابن سینا و توماس

آکوئیناس

۳. تعیین نقاط ضعف و قوت ادله اثبات وجود خداوند از منظر ابن دو فیلسوف

## روش تحقیق:

این تحقیق به روش کتابخانه ای به نگارش درآمده و سعی نویسنده بر آن بوده تا از منابع مرجع و معتبر و نیز نویسندگان و دانشمندان مقبول و ذی صلاح استفاده کرده و حتی المقدور سعی شده از نظرات دو بزرگوار ابن سینا و توماس آکوئیناس در تدوین رساله کارگرفته شود. مطالب پس از تهیه کامل فیش، طرح و تدوین شده و پس از چندین بار بازنویسی و تلاش مستمر جمع بندی و تجزیه تحلیل مطالب صورت گرفته است.

## مقدمه:

انس و آشنایی آدمی با خداوند بیش و پیش از آن که محصول خردورزی وی باشد از اعماق وجدان و روان او مایه می گیرد احساس مخلوقیت که وابستگی او را به خالق نامحدود می نمایاند در جوهر جان او آشیانه دارد و همین احساس است که مفهوم تقدس را در مواجهه با خالق در اندیشه انسان زنده می کند.

اما عقل آدمی که رکنی از ارکان وجودی اوست نباید از حظّ انس و الفت با خداوند بی نصیب بماند از حسن قضا چنین هم نیست و چه توفیق ها که از رهگذر تلاش خردمندان فراچنگ آمده است.

از آغاز تاریخ مکتوب خردورزی که گزارش احوال یونانیان است تأمل و اندیشه درباره وجود خداوند جایگاه خاص و ممتازی در مجموعه تأملات به خود اختصاص داده است. انسان همیشه با عقل خویش در جستجوی یک نامخلوق بوده است گرچه در آغاز راه، کسانی چون تالس آن « نامخلوق » را به خطا در میان همین « مخلوقات » می جستند و مثلاً « آب » را مبدأ و منشأ هستی و همه چیز را وام دار آن می دانستند اما سیر خردورزی آدمی شاهد نضج خداشناسی فلسفی است.

ارسطو که از حرکت های مشهود سراغ محرکی نامشهود و فارغ از حرکت و زوال را می گرفت، نمونه خوبی از دوره پختگی فلسفه است. مساله استدلال فلسفی و عقلی بر وجود خدا و اندیشیدن در صفات او آنگاه که وارد فضای ایمانی جهان اسلام شد، جان تازه ای گرفت و در پرتو تعالیم دین مقدس اسلام مسیر روشن تری را پیمود.

خداشناسی فلسفی نه فقط ذهن فیلسوفانی چون فارابی و ابن سینا را به خود مشغول داشت، بلکه اهل کلام را هم به میدان کشید و ذهن متکلمین بزرگی چون توماس آکوئیناس را نیز از این حظّ بی بهره نساخت و از رهگذر تلاش آنان براهین متعددی سامان یافت.



گرچه عقل نقش و اهمیتی فوق العاده در شناخت خداوند از خود برجای گذاشته اما نباید ناگفته بماند که با این همه، محدودیت های فراوان دارد و به عرصه هایی نمی تواند دست یابد. عقل می داند که ادراک ذات حق تعالی منطقه ممنوعه است و هیچ مدرکی به آن جا دسترسی ندارد؛ همان گونه که کنه صفات که عین ذات اوست نیز منطقه ممنوعه دیگری برای عقل است. ادعای کسی که بگوید من به اندازه خود ذات آن بسیط محض را می فهمم، بی وجه و بی دلیل است، زیرا وجود بسیط و نامحدود، اندازه ندارد و مانند وجود مرکب و محدود نیست تا ظاهرش غیر از باطنش باشد تا اگر شناختی از لایه های عمیق باطنش نداشتیم فهم ظاهر آن میسر گردد.

## تعاریف و اصطلاحات:

واژه‌ها در گستره تاریخ علوم، دستخوش تغییر و تحول می‌گردند و در زمان‌های مختلف و در حوزه علوم متفاوت معانی متعددی می‌یابند. علم منطق توصیه می‌کند به منظور روشن شدن بحث، به عنوان مبادی تصویری، نخست واژه‌های به کار رفته در موضوع بحث تعریف شود. فایده مهم این کار، تقریر محل بحث و پیش‌گیری از برداشت نادرست خوانندگان در اثر معانی متعدد واژه‌هاست، از این رو ما ابتدا به معنا و مفهوم واژه‌های مورد بحث در زمینه موضوع می‌پردازیم تا این واژه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد و معنای مورد نظر آن‌ها در این نوشته تبیین گردد. از جمله واژه‌هایی که در این موضوع با آن سروکار داریم؛ واژه‌های شناخت و عقل می‌باشد. ما ابتدا به تبیین واژه شناخت می‌پردازیم و بعد از آن واژه عقل را تحلیل می‌کنیم.

## ۱. شناخت

### ۱-۱. امکان شناخت:

این که شناخت امکان دارد، هرگز قابل تردید و یا قابل انکار نیست، زیرا قطعی ترین دلیل بر امکان چیزی، وقوع آن است و روشن است که «شناخت» اتفاق افتاده و همچنان ادامه دارد. هیچ فردی با هیچ بیانی توان انکار شناخت را ندارد؛ زیرا هر گفتاری برای انکار شناخت برابر است با اثبات شناخت، چه آن که سخن راندن و دلیل آوردن فرع این است که شناخت «ممکن» است. «خواجه نصیرالدین طوسی» در کتاب ارزشمند خود «تلخیص المحصل» که تلخیص و تحلیلی انتقادی از کتاب «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحكماء» تألیف «فخر رازی» است - پس از آن که «فخر رازی» سوفسطائیان را گروه چهارمی می داند که در تصدیقات به انکار بدیهیات و حسیات قائل شده اند، می فرماید: «گروهی از مردم گمان می کنند، سوفسطائیه قومی اند که دارای نحله و مذهب خاصی هستند و آن ها را به سه طایفه تقسیم می کنند:

طایفه نخست؛ لادریه؛ یعنی کسانی که می گویند ما شک داریم و شک داریم که شک داریم؛ «و هلم جراً»

طایفه دوم؛ عنادیه اند؛ آن ها کسانی هستند که می گویند در جنب هر قضیه بدیهی یا نظری، قضیه ای معارض یا معاند با آن که البته در نزد اذهان هر دو قوت و قبول مساوی برخوردارند، وجود دارد.

طایفه سوم؛ عندیّه اند؛ گروهی که می گویند، تفکر و نظر هر گروهی نسبت به خودشان حق و نسبت به طرف مقابل باطل است. و گاه نیز دو طرف نقیض نسبت به دو شخص حق می باشد و در واقع امر، چیزی حق نیست. ولی اهل تحقیق می گویند سوفسطائیه یک لغت یونانی است، «سופا»؛ یعنی دانش و حکمت و «اسطا» یعنی مغلطه، پس سوفسطا؛ یعنی علم مغلطه ... و نه هست و نه ممکن است که در عالم چنین مذهبی که منکر شناخت باشد وجود داشته باشد، بلکه هر مغالطه کننده ای در همان که مغالطه می کند سوفسطایی است.<sup>۱</sup>

دیدگاه کسانی که خواجه آن ها را اهل تحقیق می خواند، در نوشته های نویسندگان غربی نیز آمده است، در کتاب «کلیات فلسفه» در این زمینه چنین می خوانیم: «در قرن پنجم ق.م جماعتی از اهل نظر به نام «سوفسطائیان» (سوفیستها) در آتن پیدا شدند که درباره امکان کشف چیزی که واقعاً صحیح و حقیقی باشد بی اندازه در شک و تردید بودند، در عوض به پیروان خود می آموختند که چگونه در دنیا بدون معرفت یقینی زندگی کنند و پیش روند و چگونه در

۱. خواجه نصیرالدین طوسی، تلخیص المحصل، دارالاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۸۵ م، ص ۴۶

منازعات و مجادلات پیروز شوند و چگونه خوب و قانع کننده سخن گویند و به طور کلی چگونه موفق و کامیاب شوند.<sup>۱</sup>

این گونه اظهارات، نشان می دهد که این جماعت خود اهل نظر بوده و هرگز منکر اصل امکان شناخت نبوده اند، بلکه آنچه را که منکر بوده اند، کشف یقینی و حقیقی بوده است. البته اگر چه آنان در این نظر صائب نیستند؛ یعنی امکان کشف و شناخت یقینی نیز وجود دارد، ولی آن چه را که نمی توان اثبات کرد، این است که «سوفسطائیه» منکر امکان شناخت بوده اند.

علاوه بر سوفسطائیان، گروه های دیگری نیز وجود داشتند که منکر امکان شناخت بودند. شکاکان نیز کسانی هستند که واقعیت انسان و واقعیت خارج از انسان را قبول می کنند ولیکن راهی که انسان را به اسرار جهان برساند، منکر می باشند. معروفترین شخصیت این گروه در دوران بعد از سقراط «پرهون» نام دارد.<sup>۲</sup> سستی و بطلان پندار کسانی که امکان علم و معرفت را برای انسان غیرممکن می دانند، نیاز به بحث ندارد. چرا که خود این پندار مدعی مصداقی از علم و معرفت است. بنابراین؛ مدعی ناقض خود است. این امر، وجدانی و غیرقابل انکار است که ظرف ذهن ما از کودکی تاکنون، مطروف فراوانی را در خود جای داده است و این مطروف همان است که ما از آن به عنوان «علم و دانش» یاد می کنیم.

گروه بعدی از منکرین شناخت مادیون هستند. مادیون؛ کسانی هستند که تفکر مادی دارند. این گروه واقعیت مادی خارج از انسان و همچنین واقعیت مادی انسان و راه شناخت این دو واقعیت را قبول دارند، لیکن در هر سه بخش محدودیت هایی قائلند.

آن ها معتقدند؛ اصل واقعیت جهان در ماده و امور مادی خلاصه می شود و از این رو آن چه را که خارج از محدوده شهادت و متعلق به غیب است؛ نظیر ذات اقدس الله - قیامت - وحی و فرشتگان، همه را منکرند.

انسان نیز در نزد این گروه در پیکر وجود مادی خلاصه شده و فاقد روح مجرد است. با انحصار وجود در امور مادی، علم نیز که چیزی جز حقیقت شناخت نیست، امری مادی خواهد بود.<sup>۳</sup>

۱. ریچارد، پاکین، واستریل، آودرم؛ برگزیده کلیات فلسفه، ترجمه سید جلال الدین مجتوی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران،

تهران، ۱۳۳۶ ش، ص ۱۷

۲. عبدالله، جوادی آملی، شناخت شناسی در قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸

۳. مرتضی مطهری، شناخت، انتشارات شریعت، شهریور ۱۳۶۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۹